

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ می ۲۰۲۲

"دنیا به امید خورده شده"

شنبه - ۱۷ ثور ۱۴۰۱ - کابل: «از یک و نیم ماه به اینسو در باره این موضوع جلسات جریان دارند و چند روز پیش، انس حقانی عضو ارشد امارت اسلامی نیز گفت که در این باره علمای دین نشستی دارند. تا جایی که من معلومات دارم در آینده نزدیک علمای کشور روی این موضوع نشستی دارند و در این باره گفتگو خواهند کرد و یک راه حل مناسب در این باره پیدا خواهند کرد.»

جملاتی که در بند بالا از نظر تان گذشت، گفته های "عزیز احمد ریان، سخنگوی وزارت معارف" در نظام ملاسالار می باشد. یادداشت امروز ما را بحث در همین مورد می سازد:

۱- ما در فرهنگ پر بار حوزه فرهنگی زبان فارسی- دری ضرب المثل هائی داریم که شنیدن و استفاده از آنها، دنیائی از مفاهیم را برای انسان بازگو می نماید، از جمله "دنیا به امید خورده شده" و مرادف آن "از خورده کرده امیدوار بهتر است"- "از داشته کرده امیدوار بهتر است" و ...

این ضرب المثل ها در عین حالی که انسان را از ناامیدی، یأس و در نتیجه پذیرش شکست باز می دارد، در دست انسانها، نهاد ها و حاکمیت های کلاش، دروغگو و فریبکار، می تواند به مثابه سلاحی جهت تحمیق طرف مقابل و دادن وعده از امروز به فردا نیز مورد استفاده قرار گیرد. یعنی در حالی که فرد، نهاد و حاکمیت دروغگو، کلاش و فریبکار در اساس تصمیم ندارد تا به آنچه وعده می دهد عمل نماید، جهت فریب و تحمیق طرف مقابل و بازداشتن وی از ایستادگی در مقابل خودش، با زبان بسیار آرام و نرم فردا را وعده می دهد. و این همان فردائی است که هیچ گاهی نخواهد آمد.

۲- تا جایی که دیده شده سنگ تهاداب حاکمیت ۴ دهه اخیر دادن وعده های فریبکارانه و تحمیق هرچه بیشتر مردم ما به امید فردای بهتر بوده است. این سیاست که از وعده های "نان، لباس، خانه" مزدور بی مقدار شوروی متوفا آغاز یافت و تا همین اکنون با دیدن "قهرمانانی" چون "غنی احمدزی" به طالب و نظام ملاسالار رسیده است، در طی زمان به وسیله هریک از زمامداران دست نشانده سیر تکامی اش را پیموده، امروز کار به جایی رسیده که به جای دارو به بیمار نزدیک به مرگ محتوم "ان شاء الله" تجویز می گردد. امری که در آن نظام ملاسالار بحق استاد گذشتگان شده، با سوء استفاده از فقر و گرسنگی مردم و فقدان نهاد های مبارزاتی که بتوانند نارضایتی مردم از نظام را سازماندهی مبارزاتی نمایند، همه چیز را به فردا و دادن امید ختم می نمایند.

۳- نظام ماسالار و گردانندگان خرد و بزرگ آن در این امر آنقدر پیش رفته اند که روی خاینان و جنایتکارانی چون "تره کی"، "امین"، "ببرک"، "نجیب" و بقیه وطفروشان جهادی و تکنوکرات را نیز سفید نموده اند. اینها در عین زمانی که سیاست های مرد سالارانه شان را که مسدود ساختن مکاتب دختران بخشی از آن است، با فرامین آزادی ها و حقوق دموکراتیک زنان کشور را به دم خر اسلام و محمد قدم به قدم محکمتر می بندند و با شرعی اعلام داشتن برقع و چادری به مثابه حجاب شرعی و حضور زنان در جامعه را منوط به اجرای مطلق آن می نمایند و به تمام زنانی که نخواهند با چادری از خانه بیرون شوند اعلان جنگ نموده، محتسبان دره به دست شان را به نمایش می گذارند و به همین سان به مردان خانواده ها اجازه و فرمان می دهند تا زیر نام تطبیق حجاب شرعی، زنان خانواده هایشان را از این هم بیشتر به بند و زنجیر مناسبات فرتوت پدرسالاری و زن ستیزانه بکشند، توسط یک چلی که در تمام حیات فکر و ذکرش این بوده که آیا رو و پشت به قبله تخلیه جایز است و یا خیر، اعلام می دارند که در آینده "علمای" کرام در این رابطه تصمیم خواهند گرفت.

۴- این توله سگ ارتجاع چنان از بحث ها در طی یک و نیم ماه گذشته یاد می کند توگویی آنها می خواستند یکی از سیارات کدام نظام دیگر را فتح نمایند. کسی نیست از این توله سگ معاشخور "سیا" بپرسد، سر و کله زن، مادر، خواهر و دختر من را به چلی و آخذ چه؟ و یا از زبان یک زن بپرسد که سر و روی از من، تصمیم آن به ملا چه ربط دارد؟ که در آینده نامعلوم جلسه دهند و راجع به این تصمیم بگیرند که زنان و دختران به کار و مکتب بروند و یا خیر؟ و اگر می روند با چه شکل و شمایل بروند.

هموطنان گرامی!

طالب همان است که بود نه تنها هیچ نوع تغییر مثبتی در آنها به وجود نیامده، بلکه بدتر، عقب مانده تر و به موازات آن جنایتکارتر و ریاکار تر نیز شده است. آنها برای انحراف مسیر مبارزاتی، مردم را به سرو موی زنان و قُبُل و دُبُر آنها و آله تنکیر مردان و بریدن و نبریدن آن و ختنه دوباره مصروف می سازند، تا کسی به غیر از پائین ناف مردان و موی سرزنان، به چیز دیگری نیندیشد و به دنبال چاره نباشد. ما مردم هم چنان جیونانه و توأم با ترس و خفت به این فرامین گردن می نهیم که گاهی انسان بدین فکر می افتد که نکند ما شایستگی بهتر از آن را نداریم.

هموطنان گرامی!

تاچه زمان شاهد گریه و زاری دخترکان ما در داخل خانه باشیم و از دختر خود خجالت بکشیم که از حق وی دفاع نمی توانیم، تا چه زمان یک طالب و چلی که از مقدش منی مولوی و مولوی زاده ها هنوز هم می ریزد به نام محمد و خدا بر زنان و دختران ما حکمرانی نماید؟ بیائید اندکی به خود آئیم سرنوشت مان را خود ما به دست گیریم، نه در انتظار مهدی موعود باشیم و نه هم در انتظار خضر کاذب شرق و غرب. به طالب و طالب بچه ها اجازه ندهیم تا به نام خدا و محمد بر ناموس ما قواعد خودشان را تطبیق نمایند. این را بپذیریم که انسان یک بار تولد می شود و یک بار هم می میرد، جرأت کنیم و نگذاریم که چند نوکر استخبارات بیگانه که سابقه سقوط اخلاقی آنها گوش فلک را کرده است، بر زن، دختر، خواهر و مادر ما حکمرانی نمایند. آنها می خواهند با افکندن بند و زنجیر به پای زنان جامعه مردان را نیز قلاده به گردن بیاویزند. این را بدانید که زنجیر حجاب بر پای زنان، مقدمه افکندن حلقه بردگی بر گردن مردان هم است.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!